

عنوان: جامعه بهائیان ایران مثالی زرین

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- مناجات دوم

۳- بیان مبارک حضرت به‌الله

۴- نصوص مبارک حضرت عبدالبها

قسمت اداری

۵- قسمتهایی از بیانات حضرت ولی امرالله

۶- گزیده هایی از پیامهای بیت العدل اعظم الهی

۷- جامعه و فرهنگی که حضرت عبدالبهاء آفرید

۸- معرفی پادکست: درباره نقش جامعه بهایی در نوسازی ایران

۹- شور و مشورت

۱۰- برنامه نونهالان و نوجوانان

۱۱- تنفس و پذیرایی

۱۲- مناجات خاتمه به انتخاب جمع

۱- مناجات شروع

الهی الهی تری اولیائک مقبلین الیک و متمسکین بحبلِ اوامرک و احکامک، أسئلك بأمواج بحرِ بیانک و بالذی به زینتِ أفلاک سماءِ قُدرتک أن تحفظهم بجدک و جنودک، ای رب تری أحبائک فی ایران تحت برائین الضغینة و العدوان، أسئلك برحمتک الّتی سبقت الامکان أن تبعث من الأرض من یقوم علی نصرتهم و حفظهم و اخذ حقوقهم من الذین نقضوا عهدک و میثاقک و ارتكبوا ما نأح به سگان مدائن عدلک و انصافک، ائک أنت المقتدر العلیم الحکیم.

لنالی الحکمة، جلد ۲، ص ۲۳۳-۲۳۲

مضمون: ای خدای من، خدای من، می بینی دوستانت را که به تو روی آورده و به ریسمان اوامر و احکامت چنگ زده‌اند. تو را سوگند می‌دهم به امواج دریای بیانت و به کسی که فلک آسمان قدرتت را به او زینت بخشیدی، که به واسطهٔ بخشندگی و لشکریانت آنها را حفظ کنی. ای پروردگار من، می بینی دوستانت در ایران را که زیر چنگال کینه و دشمنی گرفتارند. تو را قسم می‌دهم به رحمتت، که بر اهل امکان پیشی گرفته، که از [اهل] ارض کسی را مبعوث کنی که به یاری و حفظ آنها قیام کند و از کسانی که عهد و پیمانت را شکسته‌اند و مرتکب شده‌اند آنچه را که ساکنان شهرهای عدل و انصافت به ناله و نوحه در آمدند، حق و دیهء آنها را بگیری. تویی توانا آگاه و فرزانه.

۲- مناجات دوم

هو الله

ای یزدان مهربان، یارانت بی‌سر و سامانند و دوستانت اسیر در دست عوانان. از هر طرف، تیر و سنانی و از هر شخصی، زخمی بی‌امان. با وجود این، سرگشته‌ی کوی تواند و آشفته‌ی موی تو و دلدادگی روی تو. هر بلایی را «ولا» دانند و هر دردی را درمان شمرند. غل و زنجیر را تاج و سریر یابند و زندان را ایوان بی‌پایان دانند. به کلی جان‌فشانند. ای خداوند، هوشمندان را بنواز و همدم و همراز عبدالبهاء ساز، تا کلّ جان و دل در کف گرفته، نثار درگاه تو کنیم و روی تو جوئیم و به کوی تو پی بریم و راز تو گوئیم. تویی مقتدر و توانا و واقف و بینا. ع ع

مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص ۴۵۱

۳- بیان مبارک حضرت به‌الله

حضرت به‌الله درباره ظهور بلایا و رزایا در یزد می فرمایند:

اوست گوینده پاینده

چشم عدل گریان و انصاف نالان، سبحان الله در ایران افتخار به ظلم و ستم و بی رحمی و اخلاق درندگان صحراری و براری شده، ذناب جزائر جهل و نادانی اغنام الهی را دریدند، خسارت عظیم را ربح کبیر دانسته اند... خونهای این نفوس سبب شد که حال اهل ایران بعضی اذکار را می شنوند و ساکنند بلکه می پذیرند، اهل ایران با نفسی از نفوس خارجه مشی نمی نمودند چه که نَعُوذُ بِاللّهِ كَل را نجس می دانستند ابدأ تکلم را جائز نمی شمردند حال از عنایت این ظهور اعظم ابواب معارف باز شده آن توحشهای زائد از اعتدال و اعراض و اعتراضها از میان برخاست... دماء عشاق در آفاق معجزها نمود و اسباب بُعد را به سیاط بیان دفع کرد و قرب را بر مقامش مقر و مأوی معین فرمود حال اکثری با جمیع احزاب عالم معاشر و محب، فی الحقیقه محبتی نسبت به کل ظاهر شده که ظهورش نزد عباد از محالات شمرده می شد، تَبَارَكَ الْكَرِيمُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، حال کل بصر شده اند و سمع شده اند تا بشنوند. انکار را جنود اقرار از میان برداشت...
لئالی الحکمة ج ۲ ص ۳۰۶

۹- شور و مشورت

بیت العدل اعظم میفرمایند:

مثال زرین جامعه‌ای که سالیان متمادی شعله فروزان امید را محفوظ داشته است در پیروان ستم‌دیده اما همواره صبور و شکیبیا و همیشه ثابت‌قدم و راسخ حضرت کبریا در مهد امر الله نمایان است. ملاحظه نمایید که آن ستاینندگان جمال اقدس ابهی چه انضباطی به منصفه ظهور رسانده‌اند، با چه ثبوتی طیّ دهه‌ها ظلم و ستم بی‌امان به اصول خویش متمسک مانده‌اند و با چه عزمی کوشیده‌اند از پیشرفت‌های هم‌کیشان خود در دیگر نقاط عالم بیاموزند و در سرزمین خویش در خدمت به هم‌وطنان و تسلی آنان جدّ و جهد نمایند. آن سالکان طریق صبر و قرار برای بسیاری از هم‌میهنان شعله‌های درخشان امید، سرچشمه‌های شفقت و بصیرت، و هم‌راهان معتمد در مسیر خدمت بوده و هستند. آن یاران و یاوران عزیز طیّ هفته‌ها و ماه‌های اخیر دائماً در افکار و ادعیه مکرر حاضر بوده‌اند و از خداوند مهربان مسئلت نموده‌ایم که در ظلّ الطاف بی‌پایان خود محفوظ و مصون‌شان دارد. رضوان ۲۰۲۶ میلادی (۱۸۳ بدیع)

با توجه به پیام بیت العدل اعظم، جامعه بهایی ایران چگونه توانسته است شعله فروزان امید را محفوظ دارد؟ و چگونه هم‌میهنان خویش را یاری نموده و مینمایند؟

۴-نصوص مبارک حضرت عبدالبهاء

الحمد لله ایران منبت شجره مبارکه است و مطلع نیر اعظم و احباء قُدما هستند و در ظلّ تربیت جمال مبارک تربیت شده‌اند و ممتحنند و جانفشانند و هر یک را نهایت آرزو میدان فدا. این نفوس تمکن تامّ حاصل نموده‌اند و استقامت شدید دارند. اما جهان غرب بدایت تأسیس است. باید نهایت کوشش را نمود تا ترویج گردد و تأسیس شود و نفوس مبارک ثابت نابتی مانند احبای ایران مبعوث شوند. آن وقت کار آسان گردد.

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۵، ص ۵۳-۵۲

مرکز میثاق خطاب به جناب شاه‌جلال فارانی می‌فرمایند: ... احبای ایران بی‌نهایت عزیزند. زیرا مؤمنین قدیم ممتحنند و مفتون در سبیل حضرت بی‌چون. خون خویش فدا نموده‌اند و صد هزار بلایا و محن کشیده‌اند و یک موی ایشان را به دو جهان ندهم. فاران حبّ، ص ۲۶۴

همچنین می‌فرمایند:

یاران ایران از جان و روان عزیزترند. زیرا در سبیل الهی امتحانات شدیده دیده‌اند، صدمات عظیمه تحمل کرده‌اند، خانه و کاشانه به تالان و تاراج داده‌اند، هدف تیر ملامت گشته‌اند و آماج سنگ شماتت شده‌اند، جان و روان فدا نموده‌اند و از بوتۀ افتتان و آزمایش مانند ذهب خالص با روی شکفته بیرون آمده‌اند. لهذا در نزد عبدالبهاء از جان عزیزترند و در نزد ملأ اعلیٰ معزز و محترم. لهذا به هریک رسی آن جان پاک را در آغوش گیر و از طرف من ببوی و ببوس. اگر چنین نمائی مذاق این مشتاق حلاوت بی‌منتهی یابد و سبب سرور کلی گردد. ع ع

نقش خیال دوست، اثر دکتر شاپور جوانمردی ص ۱۲۳

۵-قسمتهایی از بیانات حضرت ولی امرالله

مشیت حی قدیر بر این تعلق گرفته و حکمت بالغه الهیه چنین اقتضاء نموده که خاصان حق در کشور مقدس ایران مال و منال حتی دم مطهر خویش را ایثار نمایند، تا شجرهء امید سقایت گردد و به برگ و میوه های گوناگون مزین شود و به مرور آیام اقوام و قبائل و ملل متنوعهء متباعضهء اروپا و امریکا و تاجیک و افریک را در ظلّ ظلیلش در آورد و تألیف دهد. تالله هذه موهبه لا مثیل لها فی الابداع یتمنّاها اهل خباء المجد فی الجنّة العلیا.

خوشا به حال شما ای برگزیدگان حضرت کبریاء چه که نخبهء احرارید و سرورِ اخیار. در بوتهء امتحان کراراً و مراراً چون ذهب ابریز رخ برافروختید و از لواقح افتتان، خموش و افسرده نگشتید. شمائید سروران حقیقی جند ملکوت الله. شمائید منادیان حقیقی امر جمال ابهی. ملح ارضید و چون شریان در جسم امکان نباض. عرق حیاتید و مایهء نجات و سعادت جهان .

توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۳۱۱-۳۱

و همچنین :

در سنه ۱۹۳۷ جناب ذکر الله خادم مشرف بودند . حضرت ولی عزیز امرالله در حین وداع از جمله فرمودند: من از احبای ایران راضی هستم، ممنون هستم، قلب من از آنها مشعوف است، در سنوات اخیره ثبات و استقامت به خرج دادند، به ثبات و استقامت فائز شدند. هنوز امتحانات تمام نشده و انقلابات ادامه دارد . ان شاءالله استقامت می کنند و استقلال امر در ایران اعلان می شود . حالا زود است. احبای ایران احبای ممتحن جمال مبارکند. امتحانات شدید دیده اند و استقامت کرده اند، من بوجود آنها فخر میکنم، تمام بهائیان دنیا هم فخر میکنند، هم در شرق وهم در غرب؛ ایران وطن بهائیان تمام دنیاست... پیامهای مرا به احبا ابلاغ کنید. احبا را در همه جا از قبل من تحیت برسانید. به همه محبت مرا ابلاغ کنید. من هیچوقت احبا را فراموش نمی کنم. به احبا بگوئید در ارتفاع امر قیام کنند. با کمال نشاط و استقامت و ثبات در خدمت و ترویج امرالله و ارتفاع امر بکوشند. تأییدات الهی می رسد. حضرت عبدالبهاء مکرر فرموده اند جنود تأیید و توفیق در آسمان معلق است و منتظر ببینند کی قیام کرده او را نصرت بدهد. نصرت الهی منتظر قیام احباست. تأییدات شامل حال می شود، به شرط اینکه احبا هم قیام کنند بر خدمت، هم به قول، هم به فعل.

به یاد محبوب صص ۳۲۸-۳۲۹

۶- گزیده هایی از پیامهای بیت العدل اعظم الهی

بهایان ایران که به دست توانای حضرت بهاء الله و در راه تحقق نوایای مقدّسه‌اش مبعوث و پرورش و آمادگی یافته‌اند به منزله گنجینه گرانبهایی برای امرالهی نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهانند که قوای مکنونه‌اش را نمی توان چنان که باید و شاید در حال حاضر درک نمود. آن ستمدیدگان مایه افتخار و مباهات عالم بهایی و موجب فرح و سرور قلب این مشتاقانند. ید قدرت الهی برای احبای ممتحن ایران وظیفه ای مخصوص در انجام نوایای حضرت غنی متعال معین کرده است و جامعه بهایی مهد امرالله باید بیش از پیش آماده باشد که توجه خود را معطوف به احیای ایران و نقشی که دست تقدیر برایش مقدر فرموده است سازد.

پیام ۲۱ می ۲۰۰۶ خطاب به یکی از احبا

و نیز میفرمایند:

پیشینه بهائیان ایران در تحکیم و تقویت حیات بهائی در جامعه خویش درخشنده و تابان است. اعضای آن جامعه ارجمند در طی یک‌صد و هشتاد سال کوشش و تلاش در سیر متحقّق ساختن هر چه کامل تر نصایح حضرت بهاءالله در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی، تجربیاتی بس ارزشمند بلکه بی‌مانند کسب نموده‌اند. البتّه واضح است که تجلّی تعالیم الهی در حدّ کمال، در جهان انسان مستلزم گذر مدّت زمانی طولانی است؛ امّا مهمّ آنکه مجهودات پیروان این آیین نازنین در آن سرزمین، علیرغم جوّ ناسازگار اجتماعی حاکم، از ابتدا با شجاعت و مداومت و در نهایت جدّیت دنبال گشته است.

۷- جامعه و فرهنگی که حضرت عبدالبهاء آفرید

بلاانقطاع هر روز و هر ماه حضرت عبدالبهاء در تبعیدگاه دور دستش با آنکه مبتلا به آزار دشمنان بود، نه تنها جامعه بهائیان ایران را به بسط و انتشار کشانید؛ بلکه در ایشان وجدان حیات اجتماعی را بیدار نمود که نتیجه‌اش این شد که در کشور کوچکی فرهنگی را به وجود آورد که در هیچ جای عالم کسی نظیرش را ندیده و نشناخته بود. قرن ما با تمام اضطراباتش و با همه ادعاهای پرطمطراقش که لاف خلق نظم جدید می‌زند، هرگز نتوانسته است مثالی به دست بدهد که چگونه قدرت کلام یک فرد واحد فرید، می‌تواند جامعه‌ای ممتاز و موقّق به وجود آورد که بالمآل دامنه خدماتش به سراسر عالم گسترده شود. جامعه بهائی ایران که گاه و بیگاه دچار مظالم علمای مسلمان و پیروانشان می‌شد و با آنکه از سلسله پادشاهان تن‌آسای قاجار نیز حمایتی نمی‌دید، حیاتی تازه یافت. تعداد افراد بهائی در همه ولایات ایران چند برابر شد و نفوس صاحب‌نفوذ، از قبیل علمای صاحب‌اعتبار مسلمان در حلقه اهل ایمان درآمدند و بذر تشکیلات اداری آینده بهائی به صورت انجمن‌های شور کاشته شد. درباره اهمیت این انجمن‌ها هر چه بگوئیم کم گفته‌ایم. در کشوری که مردمش طیّ قرون و اعصار به نظام مردسالاری خو گرفته و قدرت اداره و تصمیم را در دست شاهان مستبد یا مجتهدین شیعه نهاده بودند، ناگهان جامعه‌ای پرورش یافت که از تمام قشرهای اجتماع مرکّب بود و اعضاء این جامعه زنجیر سنت‌های قدیم را گسستند و مسؤولیت اداره امور عمومی از راه مشورت را به دست خویش گرفتند. در جامعه و فرهنگی که حضرت عبدالبهاء می‌آفرید، نیروهای روحانی در حیات روزانه مردم تجسّم می‌یافت. مثلاً تأکید بر تعلیم و تربیت سبب شد که مدارس بهائی در پایتخت و ولایات تأسیس شوند - از جمله مدرسه تربیت دختران که در تمام ایران شهرت یافت - و با مساعدت دوستان بهائی امریکائی و اروپائی درمانگاه‌هایی نیز به کار پرداخت... در وقتی که در بسیاری از نقاط ایران خدمات اولیه پستی وجود نداشت، ایجاد شبکه پیک‌های نامه‌رسانی، ارتباطی آسان نصیب جامعه پرتقلای بهائی نمود. عملاً تغییرات بزرگی در زندگانی روزانه بهائیان پدیدار شد. مثلاً در اطاعت از حکم کتاب اقدس، از رفتن به حمام‌های ناپاک و آلوده که سبب شیوع انواع امراض می‌شد، خودداری کرده برای خود حمام‌هایی ساختند که در آن از آب تازه و دوش استفاده می‌شد. تمام این پیشرفت‌های اجتماعی، اداری و انتفاعی عملی مرهون تحوّل معنوی و اخلاقی بود که در میان جامعه بهائیان شکل می‌گرفت و آنان را حتی نزد دشمنان ممتاز و محلّ اعتمادشان می‌ساخت. این تغییرات و تحوّلات مهمّی که به این زودی قسمتی از مردم ایران را از اکثریت مخالفشان متمایز ساخت، خود دلیل و نماینده نیروهای معنوی بود که سرچشمه‌اش عهد و میثاقی است که حضرت بهاء‌الله از پیروانش گرفت و بعد از خود قیادت آئینش را به حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق سپرد.

۸- معرفی پادکست: درباره نقش جامعه بهایی در نوسازی ایران

دکتر مومن در این پادکست (مجموعه پادکست بینش‌هایی از میدان عمل) توضیح می‌دهد جامعه بهائی حقیقتاً نقش برجسته‌ای در تاریخ ایران ایفا کرده است؛ به‌ویژه در نیمه دوم قرن نوزدهم و دهه اول قرن بیستم، یعنی دورانی که اصلاح‌طلبان ایرانی در جست‌وجوی راه‌هایی برای نوسازی ایران بودند.

دکتر مومن شرح می‌دهد که چگونه سرکوب سیستماتیک در طول تاریخ ۱۸۰ ساله آیین بهائی در ایران، مانع از آن شده است که خدمات جامعه بهائی به آگاهی عمومی برسد. او معتقد است این سکوت موجب انتشار گسترده اطلاعات نادرستی شده که نه تنها افکار عمومی، بلکه پژوهشگران ایرانی و غربی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این پادکست سه حوزه کلیدی را بررسی می‌کند که آموزه‌های بهائی در آن‌ها بر گفتمان اصلاحات تأثیر گذاشته است: حکمرانی، آموزش نوین و پیشرفت زنان. دکتر مومن نشان می‌دهد که شخصیت‌های محوری آیین بهائی دهه‌ها پیش از اصلاح‌طلبان اجتماعی، ایده‌های مترقی را مطرح کرده بودند و جامعه بهائی نیز برای اجرای این اصول در زندگی جمعی خود کوشیده بود. برای نمونه، در حوزه حکمرانی، در حالی که اصلاح‌طلبان ایرانی در دهه‌های ۱۸۶۰ و ۱۸۷۰ میلادی صرفاً از شاه می‌خواستند هیئتی از وزیران تشکیل دهد، حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء از نظام سلطنت مشروطه و دموکراسی نمایندگی سخن گفته بودند؛ مفاهیمی که حتی در همان زمان برای اروپا جدید بود. جامعه بهائی این اصول را به تدریج در حیات جمعی خود از طریق شوراهای انتخابی و مشورتی به اجرا درآورد. در حوزه آموزش، دکتر موزان مومن خاطر نشان می‌کند که مدارس بهائی نه تنها در شهرهای بزرگ، بلکه در شهرک‌ها و روستاهای کوچک نیز تأسیس شدند و جمعیت روستایی را با آموزش نوین آشنا ساختند. او به‌طور خاص توضیح می‌دهد که چگونه آموزه‌های بهائی بر این نکته تأکید داشت که «تأسیس مدرسه دخترانه بر تأسیس مدرسه پسرانه مقدم است»؛ دیدگاهی کاملاً پیشرو در جامعه‌ای که رهبران مذهبی آن، آموزش زنان را ممنوع کرده بودند. دکتر مومن به تمایز مهم دیگری نیز اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که در حالی که گفتمان اصلاحات تنها به «چند صد نفر» در شهرهای بزرگ محدود بود، جامعه بهائی با بیش از ۱۰۰ هزار عضو، در روستاها و شهرک‌های کوچک سراسر ایران حضور داشت و در نتیجه، در انتقال ایده‌های نو به بخش گسترده‌تری از جمعیت بسیار مؤثرتر بود. بخش نخست این پادکست به آنچه دکتر موزان مومن «واقعیت‌های عینی تاریخ» می‌نامد اختصاص دارد. بخش دوم به بررسی تحولی عمیق‌تر می‌پردازد که در لایه‌های زیرین در حال شکل‌گیری بود؛ این که چگونه جامعه بهائی در سال‌های آغازین الگوهای جدیدی از زندگی جمعی پدید آورد که به تعبیر دکتر مومن، به ظهور «فرهنگی بدیل و متمایز» انجامید؛ فرهنگی که می‌تواند در جست‌وجوی بشر برای یافتن شیوه‌های عادلانه‌تر و مبتنی بر همکاری در زندگی الهام‌بخش

باشد. سرویس خبری جامعه بهائی ۱۵ آبان ۱۴۰۴